جـمـلـه

حتماً می دانید که زبان یک نظام و توانایی برای ذهن انسان است و کار اصلی آن ایجاد ارتباط میان انسانهاست و از آنجا که ارتباط زبانی معمولاً در قالب جمله صورت می گیرد ، پس می توان هر جمله را نمونه ای کوچک اما مهم و تاثیر گذار در نظام بزرگ زبان لحاظ کرد. در واقع هر جمله بیانگر یک معنای کامل است که هدف بیان کننده از گفتن یا نوشتن آن را نشان می دهد. در زبان فارسی هر جمله را با دو بخش نهاد و گزاره نشان می شناسیم که خود این اجزاء دارای جزء کوچکتر می باشد ، امّا در زبان عربی نوع دیگری از تقسیم بندی درباره جمله وجود دارد که آن را به دو نوع **جـمـلـه فـعـلـیـه** و **جـمـلـه اسـمـیـه** تقسیم می کند.

ساختار اصلی جمله در زبان فارسی ← زنبورعسل شیره بهترین گل ها را می خورد

جـمـلـه در زبان فارسی

نهاد: زنبور عسل

گزاره: شیره بهترین گل ها را می خورد

جمله فعلیه

همانگونه آگاهی دارید جملات فعلیه در اصل، مبنا و معیار محسوب می شوند و ساختار و ارکان اصلی این نوع جمله در زبان عربی به دو شکل زیر می باشد:

الف)

رکن شماره۱: فـعـل

رکن شماره۲: فاعـــل

مانند: ذَهَبَ سعیدٌ إلی السّوق الفواکه. **سعید** به بازار میوه **رفت**.

ب)

رکن شماره۱: فـعـل

رکن شماره۲: فاعـــل

رکن شماره۳: مفـعـول

مانند: أذهَبَ سَعیدٌ أُمَّهُ إلی سّوقِ الفواکه. **سعید مادرش** را به بازار میوه **بُرد**.

ارکان جمله فعلیه

فـعـل

فعل کاملترین نوع کلمه است. در واقع فعل بیانگر روی دادن - پذیرفتن حالت ، انجام دادن -پذیرفتن کاری در یکی از زمان های سه گانه می باشد.به همین علت است که فعل بعنوان نوع کامل کلمه مورد شناسایی قرار گرفته است، چرا که دو معیار اساسی شناسایی کلمات یعنی وجود معنای کامل و زمان را در خود جای داده است.

فـاعـل

هر فعلی فاعلی دارد، به بیان بهتر فاعل جزء جداناشدنی فعل است و پدید آمدن فعل بدون فاعل ممکن نیست.فاعل همان انجام دهنده کار فعل جمله است.

خیلی مهمّه ...

هر فعل فقط یک فاعل دارد که همیشه بعد از آن می آید.

راه های شناخت فاعل

تشخیص از طریق معنا

۱ - بهترین راه برای یافتن فاعل در جمله ، ترجمه عبارت و درک مفهوم جمله است. به این نحو که از فعل بپرسیم چه کسی ؟ چه کسانی ؟ /چه چیزی؟ چه چیز هایی ؟ پاسخی که دریافت می کنیم همان انجام دهنده کار فعل جمله است.

مانند: ذَهَبَ اَلْغَوّاصونَ إلَی أَعماقِ الْمُحیطِ لَیلاً. غوّاصان شب به اعماق اقیانوس می روند.

سؤال : چه کسانی ؟ ← جواب : غواصان (اَلْغَوّاصونَ)

إنقَلَبَ وَجهُهُ بعد مُشاهدةَ الجِسر العَظیم. چهره اش بعد از دیدن پل بزرگ دگرگون شد.

سؤال : چه چیزی ؟ ← جواب : چهره

نـتـیـجـه:

کلماتی مانند **غواصان** و **چهره** که در جواب سؤالات مذکور آمده اند **فاعل** می باشند.ضمناً معادل این کلمات در جمله عربی بعد از فعل جمله (ذَهَبَ – إنقَلَبَ) آمده اند.

تشخیص از طریق علامت و جایگاه

۱ - فاعل **همیشه** بعد از فعل می آید.پس هرجای جمله فعل آمده باشد فاعل را فقط پس از آن جستجو می کنیم حتی اگر فعل در میان و یا انتهای یک عبارت قرار گرفته باشد.

۲ - فاعل اصولاً با علامت های زیر (علامت های مرفوع) نشان داده می شود :

الف) ـُ ـٌ ← لا تتَحَرَّكُ عَينُ الْبومَةِ .

ب) « **انِ** » در اسم های مثنی ← رَجَعَ الثَّعلبانِ مِن الغابةِ .

ج) « **ونَ** » در اسم های جمع سالم مذکر ← ذَهَبَ المؤمنون إلی المسجدِ لِإقامةِ الصّلاة .

خیلی مهمّه ...

آنچه در تشخیص فاعل مهم است ، این مطلب می باشد که علاوه بر اینکه اصولاً نشانه های بالا در این نقش وجود دارد شیوه معنایی نیز باید جهت کسب اطمینان مورد استفاده قرار گیرد ، یعنی هر اسمی که پس از فعل با نشانه های فوق آمده باشد، حتماً فاعل نیست و در صورت پاسخ برای پرسش« چه کسی ؟ چه کسانی ؟ /چه چیزی؟ چه چیز هایی ؟» می توان یقیین به فاعل بودن حاصل نمود.

انواع فاعل

اسم ظاهر

گاهی بعد از فعل جمله، اسمی با نشان ها و شرایط معنایی بالا ظاهر می شود که نقش فاعل دارد.

مانند: يَعتَقِدُ **بَعْضُ** العُلماءِ أنَّ لِلألوانِ تأثيراً عَلَينا .

خیلی مهمّه ...

۱ - فاعلی که اسم ظاهر است ممکن است بلافاصله بعد از فعل بیاید ، ممکن است میان فعل و فاعل نقش های دیگر قرار بگیرد.

مانند :

۱) لِأنَّهُ لا يَنتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ . يَنتَفِعُ ← فعل أَحَدٌ ← فاعل

۲) إعتَذَرَ النَّجّارُ و ... . إعتَذَرَ ← فعل النَّجّارُ ← فاعل

۲ – به بحث مطابقت فعل و فاعل باید توجه داشته باشیم. **(مرجع شناسی ، مطروحه در درس اول سال دهم)**

ضمیر بارز

گاهی ضمایری که بعنوان شناسه در افعال بکار رفته اند نقش فاعل را برای فعل ایفاء می کنند. اگر افعال زیر را در جمله ای ببینیم قسمت های مشخص شده نقش فاعل دارند.

الف) فعل ماضی

فعل ماضی	ضمیر فاعلی	ترجمه	شناسه
ذَهَبا	ا	رفتند	ـَ ند
ذَهَبوا	و	رفتند	ـَ ند
ذَهَبَتا	ا	رفتند	ـَ ند
ذَهَبنَ	نَ	رفتند	ـَ ند
ذَهَبتَ	تَ	رفتی	ی
ذَهَبتما	تُما	رفتید	ید
ذَهَبتُم	تُم	رفتید	ید
ذَهَبتِ	تِ	رفتی	ی
ذَهَبتما	تُما	رفتید	ید
ذَهَبتُنَّ	تُنَّ	رفتید	ید
ذَهَبتُ	تُ	رفتم	ـَ م
ذَهَبنا	نا	رفتیم	یم

ب) فعل مضارع

فعل مضارع	ضمیر فاعلی	ترجمه	شناسه
یَذهبان	ا	می روند	ـَ ند
یَذهبونَ	و	می روند	ـَ ند
تَذهبان	ا	می روند	ـَ ند
یذهَبنَ	نَ	می روند	ـَ ند
تَذهبان	ا	می روید	ید
تَذهبونَ	و	می روید	ید
تَذهَبینَ	ی	می روی	ی
◌َتذهبان	ا	می روید	ید
تَذهَبنَ	ن	می روید	ید

ج) فعل امر مخاطب

فعل امر مخاطب	ضمیر فاعلی	ترجمه	شناسه
إذهبا	ا	بروید	ید
إذهبوا	و	بروید	ید
إذهَبی	ی	برو	Ø
إذهبا	ا	بروید	ید
إذهَبنَ	ن	بروید	ید

ضمیرمستتر

اگر به جدول های قسمت بالا توجه کرده باشید ، برخی افعال آورده نشده است ، چرا که در این افعال ، ضمیری که فاعل فعل باشد نمایان نیست و فاعل در معنای این نوع فعل ها پوشیده است. البته اگر فعل هایی بدون ضمیر فاعلی در جمله باشد، ممکن است بعد از آن فاعل از نوع اسم ظاهر بیاید که باید به این نکته توجه کرد. حال این نوع افعال را بررسی می کنیم :

الف) فعل ماضی

فعل ماضی	ضمیر فاعلی	ترجمه	شناسه
ذَهَبَ	Ø	رفت	Ø
ذَهبتْ	Ø	رفت	Ø

ب) فعل مضارع

فعل مضارع	ضمیر فاعلی	ترجمه	شناسه
يَذهبُ	Ø	می رود	ـَ د
تَذهبُ	Ø	می رود	ـَ د
تَذهَبُ	Ø	می روی	ی
أذهبُ	Ø	می روم	ـَ م
نَذهَبُ	Ø	می رویم	یم

ج)فعل امر مخاطب

فعل امر مخاطب	ضمیر فاعلی	ترجمه	شناسه
إذهب	Ø	برو	Ø

مانند :

۱ - يَذهبُ إلى مُتحَفِ مَكَّةَ الْمُكَرَّمةِ. به موزه مکه مکرّمه(گرامی داشته شده) می رود. ← فاعل در عبارت عربی مشخص نیست.

۲ – يَذهبُ سعيدٌ إلى مُتحَفِ مَكَّةَ الْمُكَرَّمةِ. سعید به موزه مکه مکرّمه(گرامی داشته شده) می رود. ← فاعل در عبارت عربی مشخص است (سعید).

☺ خیلی مهمّه ...

۱ - باید بدانیم آموختن انواع فاعل صرفاً جهت مشخص شدن این نقش در جمله و ترجمه صحیح آن است و نیازی به بیان کردن نوع فاعل(اسم ظاهر ، ضمیر بارز و ...) نیست.

۲ – فعل های واجب الاستتارو جایز الاستتار :

	فعل ماضی	فعل مضارع	مثال
فعل های واجب الاستتار			
فعل های جایز الاستتار			

۳ - ممکن است فاعل به همراه صفت یا مضاف الیه بیاید که خود فاعل موصوف یا مضاف واقع می شود .ضمناً باید یاد آور شد که موصوف و مضاف بودن نقش نیست بلکه صرفاً یک عنوان است که خود می تواند در نقش های مختلف از جمله فاعل باشد.

مانند :

الف) اِسْتَخرَجَ الْفَلّاحونَ المُجاهِدونَ ماءً مِن البِئرِ لِلزّراعةِ. کشاورزان کوشا آبی برای زراعت از چاه استخراج کردند . (موصوف و صفت)

ب) یَظُنّون بَعضُ الناسِ بِأَنَّ الْألوانَ لِلتَلوینِ فقط . بعضی مردم فکر می کنند که رنگ ها فقط برای رنگ آمیزی است . (مضاف و مضاف الیه)

کار در کلاس

عَیّن الفعل و فاعَلَهُ فی العبارات التالیّة.

۱ – یُؤَکِّدُ الْقُرآنُ عَلَی حُرّیَّةِ الْعَقیدَةِ .

۲ - اِکْتَشَفَ الْعُلَماءُ أَنّ هذِهِ الْأَضواءِ تَنبَعِثُ مِن نَوعٍ مِنَ الْبَکتیریا الْمُضیئَةِ .

۳ - یا أَیُّها النّاسُ إنّا خَلَقْناکُم مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنثَی وَ جَعَلْناکُم شُعوباً

۴ – أجابَ : أبحَثُ عَنْ عَمَلٍ.

مفعول به

دانش آموز عزیز! در ابتدای بحث جمله فعلیه ما دو الگو رابرای شما بیان کرده ایم . اولین الگو جمله ای صرفاً با فعل و فاعل ودر الگوی دوم علاوه بر نقش های مذکور ، مفعول نیز آورده شده است. حال حتماً برای شما هم این سؤال پیش آمده است که چه تفاوتی میان جمله نوع اول و جمله نوع دوم وجود دارد که یکی بدون مفعول به و دومی با مفعول به آمده است . برای پاسخ به این سؤال به نکته زیر توجه داشته باشید :

فعل از نظر لازم و متعدی بودن

فعلی که معنای آن با فاعل کامل می شود و به مفعول نیاز ندارد، فعل لازم(ناگذر) نام دارد؛

مثال:

رَجَعَ جَوادٌ :جواد برگشت . تَجلِسُ ساجِدَةٌ : ساجده می نشیند.

به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی شود و به مفعول به نیاز دارد، فعل متعدّی(گذرا)گفته می شود؛برای تشخیص فعل لازم از متعدی می توانیم از فعل جمله بپرسیم : چه چیزی را؟ چه کسی را؟ در صورت وجود پاسخ ، فعل جمله متعدی می باشد.

مثال:

أَرسَلَ جوادٌ رِسالَةً : جواد نامه ای را فرستاد. سؤال: چه چیزی را ؟ ← جواب : نامه ای را

ذَهَبَ النَّجّارُ : نجّار رفت. سؤال: چه چیزی را ؟ ← جواب : پاسخی نداریم

راه های شناخت مفعول به

تشخیص از طریق معنا

همانگونه که قبلاً بیان شد، با پرسش های مورد اشاره « چه چیزی را؟ چه کسی را؟ » می توان به وجود یا عدم وجود مفعول به در جمله و متعدی بودن فعل جمله پِی بُرد.

اِشتَرَی والِدُ حامِدٍ حاسوباً لَهُ. پدر حامد رایانه ای برای او خرید.

سؤال: چه چیزی را ؟ ← جواب : رایانه ای را

تشخیص از طریق علامت و جایگاه و ...

۱ - مفعول به اصولاً با علامت های زیر(علامت های منصوب) نشان داده می شود. یعنی اگر اسمی با علامت های زیر پس از فعل متعدی بیاید اصولاً مفعول به است اما باز برای اطمینان بیشتر معنا را نیز در نظر می گیریم.

الف) ـَ ـً ← جَعَلَ اللهُ الرَّحْمَةَ مِئَةَ جُزءٍ...

ب) « ینِ » در اسم های مثنی ← شاهَدَ النبیُّ (ص) الطِفلَینِ فی الحَدیقةِ .

ج) « ینَ » در اسم های جمع سالم مذکر ← شَجَّعَ المُدیرُ الطّالبینَ فی حَفلةِ التَکریمِ.

۲ – هر گاه ضمایر متصل به فعلی بچسبد نقش مفعول به دارد.ضمایر عبارتند از :

مانند :

الوالِدُ لَمْ یُقَبِّلْها و لم یُجلِسْها عنده. پدر او را نبوسید و او را نزدش ننشاند.

ضمیر	ترجمه	ضمیر	ترجمه
ه/ ه	او را	ها	او را
هما	آن دو را / آنها را	هما	آن دو را / آنها را
هم	آنها را	هنَّ	آنها را
کَ	تو را	کِ	تو را
کُما	شما دو نفر را	کُما	شما دو نفر را
کُم	شما چند نفر را	کُنَّ	شما چند نفر را
ی	من را / مرا	نا	ما را

خیلی مهمّه ...

انواع ضمیر « نـــا »

فعل مضارع + نا	مفعول به	
فعل امر + نا	مفعول به	
فعل ماضی + حرفی غیر لام الفعل +نا	مفعول به	
فعل ماضی + حرفی غیر لام الفعل +نا	مفعول به	
	فاعل	

۳ – یکی دیگر از راه هایی که می توان به وجود مفعول به و فعل متعدی در جمله پِی بُرد ،بکار رفتن افعال با ریشه بیش از سه حرف (ثلاثی مزید) در جمله است.البته آن دسته از فعل هایی که متعدی هستند.

مانند :

أجلَسَ الوالِدةُ بِنتَها فی سَیّارة الأجرة ← أجلَسَ فعل متعدی از باب إفعال به معنای **نشاند**

باب های متعدی

إفعال :
تفعیل :
مفاعلة :
استفعال :
گاهی إفتعال :

خیلی مهمّه ...

۱ - همانطور که می دانید ترتیب قرار گرفتن ارکان اصلی جمله فعلیه بصورت : **فعل + فاعل + مفعول به** است. امّا گاهی مفعول به، پیش از فاعل قرار می گیرد و آن در شرایطی است که :

- **مفعول به ، ضمیر متصل به فعل باشد که قبلاً به آن اشاره شده است و فاعل اسمی باشد با نشانه ها و معانی مورد اشاره.**

مانند : عَرَفَهُ الطّبیبُ : پزشک اورا شناخت. ← ه : مفعول به الطّبیب : فاعل

- .....
- .....

۲ - ممکن است مفعول به نیز مانند فاعل به همراه صفت یا مضاف الیه بیاید که خود مفعول به موصوف یا مضاف واقع می شود .ضمناً باید یاد آور شد که موصوف و مضاف بودن نقش نیست بلکه صرفاً یک عنوان است که خود می تواند در نقش های مختلف از جمله مفعول به باشد.

مانند :

الف) أكَلَ الذئبُ **طعاماً لذيذاً** بعدَ الرُجوع مِن الغابة . گرگ بعد از بازگشت از جنگل غذایی لذیذ خورد . (موصوف و صفت)

ب) شَرَبَتْ الغَزالةُ **ماءَ النَهرِ** قبلَ إذن الأُمِّهُ . آهو قبل از اجازه مادرش آب رودخانه را نوشید. (مضاف و مضاف الیه)

هَل تَعلَمُ /آیا می دانید ؟!!

❖ **برخي افعال دو مفعول به مي گيرند كه عبارتند از :**

عَلَّمَ / وَهَبَ / أعطَيَ / أذاقَ / اِتَّخَذَ / جَعَلَ / وَجَدَ / سَمَّيَ / حَسِبَ / آتي / أقرَضَ / رَزَقَ / ألْبَسَ / ذَوَّقَ و ...

❖ **گاهي مفعول به، معناي را نميدهد بلكه بصورت متمم (از ، به ، با و ..) ترجمه ميگردد . به عبارت ديگر كلمه اي كه معناي متمم بدهد بدون اينكه قبل از آن حروفی(فی ، إلی ، عَلی ، عَن ، بِـ ، مِن و ...) آمده باشد، مفعول به است .**

مانند : بَلَغَ الرجلُ المَنزلَ مرد به خانه رسيد / يُقاتِلُ المومنُ الكفارَ مومنان با كفار مي جنگند ← المنزل و الكفار : مفعول به

بَلَغَ الرَجلُ بالمنزلِ مرد به خانه رسيد ← در اين جمله المنزل مفعول به نيست چرا كه قبل از آن حرف « بـ » : آمده است .

❖ **گاهي با آوردن حروفی فعل لازم به متعدي تبديل مي شود .**

جاءَ (آمد) : جاءَ بـ ..... (آورد) صَعَدَ(بالا رفت) صَعَدَ بـ ..... (بالا برد)

ذَهَبَ (رفت) : ذَهَبَ بـ .....(برد) نَزَلَ (فرود آمد) نَزَلَ بـ ..... (فرود آورد)

✓ **عيّن الفعل اللازم :** (آزمایشی سنجش ۹۶)

۱) قدّم لقمان مواعظ قيّمة لابنه ! ۲) تحرق الرّمال أقدم المشاة ظهرًا !

۳) تُعجبنی طبيعة الرّبيع الخضراء ! ۴) تعمر الحكمة فی قلب المتواضع !

✓ **عيّن الجملة الفعلية ليس فيها الفاعل :** (آزمایشی سنجش ۹۶)

۱) لا ترفع صوتک فوق صوت والديک !

۲) لا يظلم أحدٌ فی نظام الخلقة !

۳) لا يكلّفنا معلّمنا من الواجبات إلاّ بقدر وسعنا !

۴) العاقل من جمع علمَ الناس إلی علمه !

✓**عیّن المفعول به تقدّم علی الفاعل :** (آزمایشی سنجش ۹۶)

۱) یُدیر أبی مطبعتة مع صدیقه !
۲) تتساقط التّفاحات واحدةً واحدةً فی الخریف !
۳) یُفرِّحنی ولدی بأعماله الحسنة !
۴) سِیروا فی الأرض و فکّروا ساعة حولها !

✓**عیّن الفاعل لیس مؤنثاً :** (آزمایشی سنجش ۹۶)

۱) ینزّل السکینةَ اللهُ علی المؤمنین !
۲) قد کتبت هذا البحثَ مریم بأُسلوب علمیّ !
۳) تعیش البطّةُ فی البرّ و فی الماء !
۴) تقدر الحرباءُ أن تدیر عینها فی جهات مختلفة !

✓**عیّن إعراب الکلمات التی تحتها خط : « ما عرفه الفقراء و المساکین الّا بعد وفاته »** (سراسری ریاضی)

۱) مفعول به - فاعل ۲) مفعول به اول - مفعول به ثانٍ ۳) مضاف الیه - فاعل ۴) فاعل - مفعول به

✓**عین الجمله التی « المفعول به » فیها أکثر من واحد :** (سراسری زبان)

۱) رحم الله المؤمنین رحمةً واسعةً
۲) جعل الله الأنبیاء رحمةً للناس
۳) أُنادیک یا رحمةً للعالین لتشفق علینا
۴) إشترکنا فی مسابقات علمیّه بعد الامتحانات

✓**عیّن « مَن » منصوبةً :** (سراسری هنر)

۱) ساعدی من تسألک أمراً ملتمسةً .
۲) من نادانی عندما کنت أتکلّم معک .
۳) ساعدنی من کان أقوی منّی فی الدرس .
۴) من یهدنی فی الحیاه یر ثمرة عمله .

✓**عیّن ما لیس فیه مفعول به ثانٍ :** (سراسری انسانی)

۱) نسمّی هذا المعلّم عادلاً لأنّه یقوم بأداء حقّ التلامیذ بدقّة !
۲) جعل النّاس بهلولاً مسؤولاً عن بناء مسجد و هو لم یَبنِ شیئاً !
۳) أکل الطّفل تفاحاً حریصاً علی الفواکه و أنا أنظر إلیه مسروراً !
۴) کنّا نحسبک غافلاً عن الإمتحان و لکنّک کنت جاهلاً عن موعده !

✓**عیّن «نا» مفعولاً.** (منتا)

۱) عَلَّمْنا ۲) تَعَلَّمْنا ۳)عَلِّمْنا ٤) جاهَدْنا

✓**عیّن الفاعلَ الّذی یکون ضمیراً مستتراً.** (منتا)

۱ - عَلَّمْتُ ۲ - عَلَّمْنا ۳ - عَلِّمْنا ٤ - ذَهَبا

✓**عیّن الصّحیح فی تعیین نوع المفعول.** (منتا)

۱) رَأَیتُ هؤلاء الطالبین فی الشّارعِ.←ضمیر بارز
۲) رَأَیتَنا فی الزّقاقِ. ←ضمیر مستتر
۳) اشتَرَیْتُ من الحانوتِ الشّایَ. ←اسم ظاهر
۴) انتَ غَیَّرْتَ حیاتی. ←ضمیر بارز

✓ **عیّن الخَطَأ فی تعیین الفاعل.** (منتا)

۱) الزّجاجات حین لعب التّلامیذ إنکَسَرَت ←«ت» ضمیر بارز
۲) إجْتَمَعَ فی الصّفِّ الطّالبون ←«الطالبون» اسم ظاهر
۳) تَعَلَّمْنا القرآن فی المسجد ←«نا» ضمیر بارز
٤) لانَسْجُدُ الّا لِرَبِّنا ←«نحنُ» مستتر

✓**عیّن العبارة الّتی فاعلها جمع التّکسیر.** (منتا)

۱) الحَیواناتُ ذَهَبَت الی الغابَةِ.
۲) الطّلابُ یَتَعَلَّمُونَ الدّروسَ جیّداً.
۳) تطیرُ الطیورُ فی السّماء.
٤) تذهَبُ الطالباتُ الی صفوفهنّ.

✓**عیّن ضمیر «ی» (الیاء) مفعولاًبه.** (منتا)

۱) لا تَسْکُنِی
۲) لا تَحْزَنِی
۳) لا تَجْعَلْنِی
٤) أَمْکِنی

✓**عیِّن الفاعلَ لیس ضمیراً بارزاً.**

۱) اَکْرِموا المعلمینَ.
۲) طبَخْنا طعامَ العشا قبل حُضورِ الضّیوف.
۳) توکّلْنا علی اللهِ فهُوَ خیرُ الحافظین.
٤) خَرَجَتْ المعلمةُ من الصّفِ.

✓**عیّن فاعلاً هو اسم الفاعل:**

۱ - رأینا اللّاعِبَ فی ساحة المسابَقَة مُتهاجِماً!
۲ - جاء مدرّس الکیمیاء إلی المُخْتَبَرِ مَسروراً و جَلَس علی الکرسیّ!
۳ - ذلک الطّفل حافِظ القرآن الکریم فی مدینتنا!
٤ - یُشَجَّع الرّاسبُ فی الإمتحانِ علی المحاولة الکثیرة!

جمله اسمیه

قبلاً به این نکته اشاره کردیم که در اصل جملات در زبان عربی بصورت فعلیه بیان می شود، امّا نوع دیگری از جملات وجود دارد که این اصل را مستثنی کرده است. بدین صورت که شروع جمله **معمولاً** با اسم است نه یک فعل. ما به اینگونه جملات در زبان عربی جمله اسمیه می گوییم و ساختار جمله اسمیه بدین صورت می باشد:

رکن شماره۱ **رکن شماره۲**

مبتدا — خبر

مانند: اللهُ عَلیمٌ. خداوند داناست. الطّالبُ فی المَدرسةِ . دانش آموز در مدرسه است .

ارکان جمله اسمیه

مبتدا

مبتدا نقشی است که نوع کلمه قرار گرفته در این نقش حتماً باید اسم باشد.در واقع مبتدا فقط اسم است نه کلمه ای از نوع دیگر مانند فعل و ....

راه های شناخت مبتدا

تشخیص از طریق نشانه ها و جایگاه آن در جمله

۱ – هرگاه اسم در ابتدای یک جمله قرار بگیرد، نقش مبتدا خواهد داشت.

تَماثیلُ العُلَماءِ فی مَقَرِّ مُنَظَّمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدةِ. مجسمه های دانشمندان در مرکز سازمان ملل متحد است. تَماثیلُ : مبتدا

۲ - مبتدا مانند فاعل اصولاً با علامت های زیر نشان داده می شود:

الف) ـُ ـٌ ← عَینُ الْبومَةِ لا تتَحَرَّ كُ.

ب) « انِ » در اسم های مثنی ← النَّعلبانِ رَجَعا مِن الغابةِ .

ج) « ونَ » در اسم های جمع سالم مذکر ← المؤمنون ذَهَبوا إلی المسجدِ لِإقامةِ الصّلاة .

خبر

همانطور که از عنوان این نقش پیداست ، خبر کلمه یا عبارتی است که اصولاً بعد از مبتدا می آید و کاملترین خبر را درباره مبتدا می دهد.

مانند: اللهُ قَدیرٌ . خداوند تواناست. ← قدیرٌ : خبر

خیلی مهمّه ...

گاهی ممکن است درباره خبر بیان شود که کلمه یا عبارتی است که بعد از مبتدا می آید. بهتر است این تعریف را بدین شکل تکمیل کنیم که نزدیکترین کلمه یا عبارتی که کاملترین خبر را می دهد.چرا که ممکن است حتی با فاصله از مبتدا بیاید.

مانند : اللهُ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ . خداوند بر هر چیزی تواناست. ← قدیرٌ : خبر

انواع خبـر

خبر از نوع اسم

هر گاه خبر فقط یک اسم باشد اصولاً با نشانه های زیر نشان داده می شود :

الف) ـُـٌ ← الْبِئرُ حُفرةٌ عَميقَةٌ

ب) « انِ » در اسم های مثنی ← المؤمنانِ مُجاهدانِ فی سبیل اللهِ

ج) « ونَ » در اسم های جمع سالم مذکر ← المؤمنون مُحبّونَ اللهِ .

خبر از نوع فعل

گاهی بعد از مبتدا فعلی می آید که بیان کننده کاملترین خبر در مورد مبتدا است. ضمناً باید بدانیم این فعل مانند خبر از نوع اسم می تواند با فاصله یا بدون فاصله از مبتدا بیاید.

مانند:

الف) المُسلِمونَ فی کلِّ العالمِ رَفَعوا أعلامَ الحَضارةِ. مسلمانان در کل جهان پرچم های تمدن را بالا بردند. رَفَعوا : (خبر –با فاصله از مبتدا)

ب) الْعِزّةُ لا تَحصُلُ بالتّکاسُل. بزرگی با تنبلی بدست نمی آید . لا تَحصُلُ : (خبر – بدون فاصله از مبتدا)

خیلی مهمّه ...

باید بدانیم که جمله اسمیه ای که خبر آن فعل می باشد در اصل جمله ای فعلیه بوده است که با هدف تاکید بر فاعل جمله آن را در ابتدا قرار دادیم و نقشش را به مبتدا تغییر نام دادیم.ضمناً این نکته نیز حائز اهمیت است که فعل جمله در صورتی که بعد از مبتدا بیاید باید از لحاظ شخص و جنس با آن مطابقت کند .

مانند : **تَجتَمِعُ المُسلِماتُ** فی المَسجِدِ. (جمله فعلیه) ← **المُسلِماتُ یَجتَمِعنَ** فی المَسجِدِ. (جمله اسمیه)

خبر از نوع حرف + اسم یا ضمیر / ظرف + اسم یا ضمیر

مبتدا در برخی مواقع خبرش را با ترکیب« حرف + اسم **یا** ظرف (عند ، تحت و...) + اسم » نشان می دهد.

مانند : الحَمدُ لِلّهِ ربِّ الْعالمینَ . لِ + الله ← لِلّهِ الکتابُ عِندی ← عند + ی

هَل تَعلَمُ /آیا می دانید ؟!!

❖ گاهی ممکن است خبر باز هم برای تاکید جلوتر از مبتدا بیاید؟ با وجود شرایط زیر این اتفاق حاصل می شود :

مبتدا:
۱- « الـ » نداشته باشد.
۲ – اسم افراد ، خاص یک چیز ، شهر ها و کشور ها یا اماکن خاص نباشد .
۳- ضمیر نباشد
۴ – اسم اشاره نباشد
۵ – اسم هایی مانند الّذی ، التّی و ... نباشد
۶ – به کلمه ای با ویژگی های بالا (شماره ۱ ، ۲ و ۳) اضافه نشده باشد. (ترکیب اضافی)

خبر: از نوع حرف + اسم باشد

مانند : مُعلِّمٌ فی المدرسةِ لتَّعلیمِ الطلّابِ . ← فی المدرسةِ مُعلِّمٌ لتَّعلیمِ الطلّابِ

ترجمه آباد

✓ به ترجمه افعال زیرتوجه کنید !

– أَنْ تَفرُغَ ← که/ تا خالی شود حتّی تَنظُرَ ← که / تا ببیند
– أَنْ تدخُلَ ← که/ تا داخل شود کَی تَشربَ ← که / تا بنوشد

حتماً شما هم به نوع ترجمه افعال بالا پِیْ برده اید! بله ، این افعال بصورت **مضارع التزامی** ترجمه شده است. بنابراین هرگاه حرف « أن ، حتّی ، کَی ، لِکَی و ... » قبل از فعل مضارع قرار گیرد، دیگر از پیشوند « می » قبل از فعل استفاده نمی کنیم ، مانند خالی می شود ، داخل می شود و فعل را بصورت التزامی ترجمه می کنیم.ضمناً ممکن است قبل از فعل کلماتی مانند : تا ، که ، تا اینکه و ... بکار رود.

✓**عیّن الصّحیح فی تعیین الخبر.** (منتا)

۱) هؤلاء المعلّمون فی الصفِّ ←المعلّمون
۲) هؤلاء أمهات فی الجلسة ←فی الجلسة
۳) اولئک رجالٌ یلعبون فی المسابقة ←رجالٌ
٤) هذان الطالبانِ یقرَءانِ درسَهُما ←الطالبانِ

✓ **عيّن العبارة الصحيحَة.** (منتا)

۱) الأمّهات المؤمناتُ نظيفاتٌ.
۲) هذه البركةُ جميلٌ فی الغابةِ.
۳) ذلکَ الطائرُ تطيرُ فی السماء.
٤) الطيورُ يَأْكلون الطّعامَ الآنَ.

✓ ما هُوَ الخبر فی العبارةِ؟

التلاميذُ فی الصفّ مشغولون بِقراءةِ الدّروس.

۱) فی الصّفّ
۲) مشغولون
۳) بقراءةِ
٤) بقراءة الدروس

✓ ما هُوَ الخبر فی العبارةِ؟

الأَعشابُ الطبيّةُ نباتاتٌ مفيدةٌ لعلاج الأمراض.

۱) الطبيّةُ
۲) نباتاتٌ
۳) نباتاتٌ مفيدةٌ
٤) مفيدَةٌ

✓ عيّن خبراً يَخْتَلِفُ نوعَهُ.

۱) ذلک العصفورُ جميلٌ.
۲) ذلکَ العصفورُ يطيرُ فی السّماء.
۳) هذا طائرٌ فی غصن الشجَرَةِ.
٤) ذلکَ طائرٌ يطيرُ فی السّماء.

✓ عيّن الخَطَأَ للفراغ: نحن ..... فی الصّفّ الثّانی.

۱) تلاميذ
۲) طالبون
۳) طالبتان
٤) طالبة

✓ عيّن الصّحيح للفراغ:

الأَشجارُ ..... فی الغابة.

۱) جميلٌ
۲) جميلان
۳) جميلةٌ
٤) جميلتان

✓ **عيّن « خير » تختلف فی الموقع الإعرابي (أو في سبب رفعها) :**

۱) ربَّنا ؛ أنت خير الرّاحمين !
۲) خير أصدقائک من لا يكذب عليک !
۳) زينة الباطن خير من زينَة الظّاهر !
۴) الوحدة خير من قرين السّوء !

✓ **عيّن الخبر ليس جملة فعلية :**

۱) النّوم الكثير يزيد الغفلة !
۲) النيّة الحسنة أحسن من العمل !
۳) القرآن أكّد على حرّيّه العقيدة !
۴) أكثر الحيوانات تعيش جماعة !

✓عیّن المبتدا لیس مؤخراً : (سراسری انسانی ۹۰)

۱) فی مکتبة جنب دارنا کتب و رسائل کثیرة ، ۲) هناک أیضاً کتب فی القصص قد اشترتها ،

۳) لها أنواع متنوّعة فی الشکل والمحتوی ، ۴) ومضامینها عذبة و مفیدة بالنسبة للطلاب !

✓عیّن « ما » مرفوعاً : (سراسری هنر ۹۱)

۱) ما فی ید الله أوثق ممّا فی یدک ! ۲) إن تأمر أحداً بما لایُطیقه لا یعمل به !

۳) ما ظفر من ظفرت علیه المعصیة ! ۴) رسمت ما تحبّون من التصویر علی الجدار !

✓عیّن الموصول خبراً : (سراسری زبان ۹۱)

۱) لاینفعنا من العلم إلّا ما نستفید منه و نعمل به فی حیاتنا الیومیّة !

۲) الطالب من اعتقد أنّ التعلّم جزء من وجوده فلا ینفصل منه أبداً !

۳) المؤمن لا یُبطل ما أنفقه فی سبیل الله بالمنّ و الأذی ، فإن عمل فقد ضیّع جزاءه !

۴) من المعلّمین من یضحّی نفسه لیبنی بناء المجتمع رفیعاً محکماً ، وهو لا یتعب فی هذا الطریق !

✓« هذه ..... غرسها الفلّاح العم الماضی فی حدیقته » . عیّن الصحیح للفراغ لیکون الخبر جملة فعلیة : (سراسری هنر ۹۲)

۱) أشجار ۲) شجرة ۳) شجرات ۴) الأشجار

✓عیّن الخبر شبه جملة : (سراسری ریاضی ۹۲)

۱) فی تلک الحدیقة رائحة الأزهار کثیرة ! ۲) لکلّ کاتب أُسلوب خاصّ فی کتابة رسائله !

۳) علی کلّ الطلبة الاهتمام بالدروس واجب ! ۴) فی الصّیف ملابسنا تُجفَّف بسرعة بسبب حرارة الجوّ !